

ثبت موجودی همچون سندی برای آیندگان

محمدعلی موسوی فریدنی



نیست. اما امیدوارم در کارهای آینده‌اش بتواند با هر ترفندی که می‌داند از شب‌شکارها هم پیامی تصویری برای ما به ارمغان آورد، البته اگر عملاً ممکن باشد.

کتاب با آوردن فهرستی زیبا و در عین حال علمی نام جانوران را در زبان مصطلح و علمی در کنار تصویر کوچکشان، به غنای خودافزوده است و این جدا از نمایه‌های درخشان است.

خوش سلیفگی تدوین کتاب ستودنی است. اما برای من یک نکته گنگ هست ولی چون تخصصی در این زمینه ندارم، نمی‌دانم توفعی را که می‌خواهم مطرح کنم منطقی است یا نه. در کتاب‌های باستان‌شناسی در زیر هر شیئی یک خط‌کش مقیاس می‌گذارند و بعد عکاسی می‌کنند تا اندازه واقعی آن در نظر مجسم شود. این کار علمی است. اما خود من آن کتاب طبیعت را که زیر عکس موشی، خط‌کشی باشد، نخواهم خرید. چون واقعاً به طبیعت صحنه لطمه‌زایی شناسی بدی می‌زند. اما سؤال من این است: منی که تا حالا مثلاً هوبره را ندیده‌ام و حالا دارم عکسش را در این کتاب می‌بینم (ص ۵۸) از کجا بدانم اندازه طبیعی‌اش همچند درنایی است یا به اندازه گنجشکی؟ اگر توقع من بجاست در کارهای آینده منظور شود. به هر طریق ممکن.

لازم می‌دانم از حفاظت محیط زیست استان مرکزی سپاسگزاری کنم که با دلسوزی و وجدان شغلی، ناشری کارآمد را برگزیده است. و در پیشگفتار نیت صادقانه‌اش را از تدوین و نشر این اطلس ابراز داشته است. امیدوارم دیگر ادارات حفاظت محیط زیست استان‌ها هم چنین کنند تا باشد که آن چنان که در مقدمه کتاب آرزو شده است «زمینه تدوین نهایی اطلس تنوع زیستی ایران فراهم آید».

بسیار پسندیده است و توفیق مدیران شایق به این کار را آرزو مندیم.

اطلس سیمای طبیعی استان مرکزی دومین کار حشمت‌الله انتخابی است. کار اولش مربوط به یزد بود. این مرد خود طبیعت‌یار است و انجمن طبیعت یاران را هم مدیریت می‌کند. ضمن این که ناشر تمیز کاری هم هست و نقش مانا با نام او گره خورده است، در شناسنامه کتاب خود را ویراستار و مدیر اجرایی نامیده، در صورتی که واژه کارگردان بهتر به او می‌آید. این کار در قیاس با کار پیشین او بسی بهتر و پاکیزه‌تر شده است؛ به‌ویژه در مورد مونتاژ و کلاژ عکس‌ها. آخر در کتاب عکس که آن هم درباره زیست در طبیعت باشد، نباید مثلاً گنجشک روی دم مار بنشیند یا موش در برابر گربه برقصد. چون این ضد اقتضای طبیعت است. نکته دیگر هوشیاری در انتخاب جای عکس‌هاست. کتاب را که باز می‌کنی پانورامایی از دشت و درخت‌زاری است لاله‌باران. و چون ورق می‌زنی بازن پشاهانگی را می‌بینی که بر سستیخ صخره‌ای هوشیارانه نگاهبان محیط زیست است. این هوشیاری دل‌بیننده را شاد می‌کند و امید به بقا را در نهاد او برمی‌افروزد و چون می‌خواهی کتاب را فرو بندی باز هم تصویر پانورامایی است که در قسمت جلو، ته‌مانده گل‌های صحرايي است؛ در میانه منطقه صنعتی و در پس زمینه عکس، کوه پشت کوه چندین و چند چینه گرفتار در مه‌دودی تیره! مقایسه آن دشت لاله‌ها با بز کوه و این غول صنعت، و تاریک و روشن کوه‌ها که آینده‌ای مبهم را القا می‌کند، تو را متفکر و بیمناک طوری رها می‌کند که با دلهره کتاب را می‌بندی، چشم‌ها را می‌بندی و با خیال در لایه‌لای دره‌های مه‌گرفته عکس به دنبال کورسویی از امید، سرگردان می‌مانی.

عکس‌ها عالی است، دست حسن مقیمی درد نکند. کار یزد او هم خوب بود. عکاسی از طبیعت جاندار کار آسانی نیست، صبر ایوب می‌طلبد و تمرکز مرتاضی و این همه جدا از خطرات جانی است. روزها و ماه‌ها سرگردان دشت و کوه و کتل بودن و دلهره‌ها و ترس‌هایش، واقعاً کار هر دور بین به‌دستی

اطلس سیمای طبیعی استان مرکزی. ویراستار و مدیر اجرایی: حشمت‌الله انتخابی. عکاس: حسن مقیمی. گردآوری اطلاعات: امیر انصاری. اصفهان: نقش مانا ۱۳۸۹.

شیر ایران کو؟ ببر مازندران کجاست؟ این «کو» و «کجا»ها همین یکی دوتا نیست. سیاهه سیاهی است از ستم بشر در حق خود و در حق جهان. انسان ظلوم و جهولی که مرغی را می‌کشد که تخم طلا می‌گذارد! و این موجود منحصر به کشور ما نیست که بلا و مصیبتی جهانی است. وقتی می‌شنویم شمار ببر بنگال یک قرن پیش صد هزار قلاده بوده و امروزه به سه هزار قلاده فرو کاسته، وقتی می‌بینیم پوست بی‌نظیر این زیباترین و بزرگ‌ترین گربه جهان تن پوش ماده لوسی از جانور دوبا شده، از روی کمال نفرت فریاد برمی‌آوریم: «کاش کفنش شود!»

تهدید مداوم محیط زیست، تخریب مستمر زیستگاه‌ها چیزی نیست که اهمیتش درک نشده باشد. و این جام‌الاین مقال نیست که کاری دیگر دارم. بعضی از مسئولان حفاظت محیط زیست این کشور دریافته‌اند و چه خوش دریافته‌اند که حفاظت از منطقه ابواب جمعی خودشان گرچه مهم‌ترین وظیفه آنان است، اما تنها وظیفه آنان نیست. این گروه می‌خواهند بعد از رفتن خودشان هم مناطق زیر مدیریتشان بماند و دیر پاید. از این رو با عکاسی، تهیه نقشه، چاپ کتاب اطلس موجودی خود را به ثبت می‌رسانند و در برابر دیدگان مدیران آینده و یک ملت و جهان می‌گذارند تا هر تغییر و تحولی نسبت به آن سنجیده شود. مثلاً به حدود مناطق تحت حفاظت تجاوز نشود، به موجب این مدرک فلان جانور برنیفتد، چون عکسش در این کتاب هست. خوبی این کار این است که خود مسئولان مبادرت به این کار درست می‌کنند نه کس دیگری خارج از این گوده تا احتمالاً مسئولی در آینده اگر در انجام وظایف خویش قصور کرده باشد نتواند دلیل بیاورد که این سند از ما نیست، پس اعتبار ندارد. بنابراین چاپ این قبیل کتاب‌ها امری